گستره فعالیتهای شیطان در زندگی انسان با تکیه بر آموزه‌های امیرمؤمنان
یونس اشرفی امین / مهدی حیاتی
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۱۵۹-۱۷۵

گستره فعالیت‌های شیطان در زندگی انسان با تکیه بر آموزه‌های امیرمؤمنان در نهج البلاغه

یونس اشرفی امین [۱]/ مهدی حیاتی [۲]

چکیده: «شیطان» از ریشه «شطن» به معنای دورشده و روی‌گردان است. او یکی از جنیان است که پس از تکبّر و خودبرتربینی، از فرمان خدا سرپیچی کرد، از بهشت رانده شد و سپس سوگند یاد کرد که انسان‌ها را گمراه خواهد کرد. مقاله حاضر با هدف تبیین گستره فعالیت‌های شیطان در زندگی انسان با محوریت نهج‌البلاغه نگاشته شده است. روش مقاله تحلیلی-توصیفی است و براساس یافته‌های آن، می‌توان گفت شیطان بر انسان ولایت و سلطه حقیقی ندارد و انسان‌ها می‌توانند با عبادت خالصانه، یاد خدا و تقوای الهی، خود را از تهدید شیطان محافظت کنند. نهج‌البلاغه، به عنوان برادر قرآن، اطلاعات گسترده و دقیقی از چیستی شیطان و گستره اقدامات آن می‌دهد. شیطان مردم را از معرفت به خدا باز می‌دارد؛ او می‌تواند ایمان را زایل کند؛ حق را با باطل درهم می‌آمیزد و از انجام اعمال نیکو جلوگیری می‌کند. او گناه و بدی را نیک جلوه می‌دهد، توبه را به تأخیر می‌اندازد و همچنین تفرقه‌افکنی و فتنه‌انگیزی می‌کند. امام علی هشدار می‌دهند که شیطان دشمن ماست و ما باید او را دشمن بگیریم. ایشان همچنین برخی خصلت‌ها مانند کبر، خشم و غضب را از سپاهیان بزرگ ابلیس بر شمرده و همگان را به عبرت گرفتن از سرنوشت ابلیس فرا می‌خوانند.

واژگان کلیدی: قرآن‌کریم، امام علی، نهج‌البلاغه، شیطان‌شناسی، فعالیت‌های شیطان

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ y.ashrafi@pnu.ac.ir
۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران؛ mehdi.hayati@scu.ac.ir

۱- مقدمه

حضرت علی شخصیتی فراتر از یک مذهب است و در طول تاریخ، اندیشمندان مسلمان، مسیحی، یهودی و حتی بسیاری از مادّی‌گرایان به جایگاه ارزشمند ایشان اعتراف کرده‌اند. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی طبق احادیث نبوی، امام علی را «فخر بشر» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۲۸۵/۱۵)، «بهترین امت» (همان، ۹۶/۴)، معدن علم و سرچشمه‌های حکمت و معیار شناخت مؤمن و منافق (همان: ۲۵۱/۱۳) اعلام می‌دارد. وی در روایتی آورده است که پیامبر فرمود: «من أراد أن ينظر إلى نوح في عزمه و موسى في علمه و عيسى في ورعه فلينظر إلى علي بن أبي‌طالب» (همان: ۲۲۰/۷).

نهج‌البلاغه به عنوان برادر قرآن، دارای آموزه‌های دقیق و عمیقی است که در همه زمان‌ها و مکان‌ها برای جوامع بشری راهگشاست و خلأهای موجود فکری را پر می‌کند. یکی از مسائل مهم معرفتی بشر از گذشته تاکنون، نوع نگاه به مقوله «شیطان» بوده است. اگرچه درباره مفهوم شیطان و ماهیت آن تا کنون مباحث فراوانی در آثار اندیشمندان جهان مطرح شده است، لکن آراء، دیدگاه‌ها و پرسش‌های فراوان مربوط به شیطان حاکی از پیچیدگی این مسأله دارد.

شیطان مفهومی بدون مصداق نیست و در ادیان گوناگون مطرح شده است. در متون ادیان و مخصوصاً در قرآن از شیطان به عنوان موجودی که دارای واقعیت آفاقی یا عینی است، یاد شده است؛ نه همچون امری انفسی یا ذهنی که وجود و واقعیت آن وابسته به وجود عاملی مدرَک همچون ما باشد. در آفرینش آدم، شیطان به عنوان موجودی واقعی معرفی می‌شود که خود را برتر از آدم می‌داند. اعتقاد به وجود شیطان به عنوان فریب‌گر و وسوسه‌کننده انسان‌ها، در مسیحیت سنتی مورد قبول قرار گرفته است. صرف‌نظر از عهد قدیم، در عهد جدید نیز نام شیطان و افعال وی بسیار ذکر گردیده است. مسیحیان در مورد اینکه شیطان، یکی از فرشتگان بوده است، اتفاق نظر دارند. (هاکس، ۱۳۸۳: ۵۴۵) در میان اندیشمندان مسیحی نیز درباره اقدامات شیطان نظرات متفاوتی وجود دارد. پلاگیوس حداکثر تأثیر بر اراده آزاد انسان بر انجام گناه را وسوسه‌های شیطان می‌داند.

وی برآن است که هنگام ارتکاب گناه، فرد توسط وسوسه‌های شیطان تحریک می‌شود. در مقابل، آگوستین ضمن اینکه معتقد است شیطان فرشته‌ای همانند دیگر فرشتگان و دارای سیرت نیک بوده است (مک‌گراث، ۱۳۸۵: ۲۸۹) می‌گوید: «انسان‌ها تا جایی که انسان باشند، آفریده خداوند هستند، اما تا زمانی که گناهکار هستند، تحت سیطرۀ شیطان هستند، مگر اینکه توسط مسیح رهایی یابند.» (ابوئی، ۱۳۹۳: ۲۳)

درباره پیشینه تحقیق، در کنار مطالب پراکنده‌ای که در برخی کتاب‌های تفسیری آمده است، کتاب‌هایی مانند «شگردهای شیطان»، نوشته جواد محدثی، «ابلیس دشمن قسم‌خورده» نوشته علی محمدی آشنانی، «شیطان از منظر نهج‌البلاغه»، نوشته محمود قطبی و حسین انصاریان، «شیطان‌شناسی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه»، نوشته احمد حبیبیان و «انسان در چالش با شیطان: از منظر قرآن و نهج‌البلاغه» نوشته لیلا دهقانی و نیز پایان‌نامه‌هایی مانند «دام‌های شیطان و راهکارهای مقابله با آن در نهج‌البلاغه» نوشته حوریه عمرانی (کارشناسی‌ارشد دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۱) و «شیطان در نهج‌البلاغه» نوشته فاطمه حامدمقدم چرمی (حوزه علمیه خراسان، ۱۳۹۱) یافت شد که در آنها غالباً مباحث عمومی و کلی با رویکرد اخلاقی مطرح شده است. همچنین مقالاتی از جمله «مراحل نفوذ شیطان و راه‌کارهای مقابله با آن برمبنای تحلیل محتوای مضمونی خطبۀ قاصعۀ امام علی علیه‌السلام»، نوشته فتحیه فتاحی‌زاده و همکاران (پژوهش‌نامه علوی، دوره ۱۲، شماره ۲۴، اسفند ۱۴۰۰)، «تحلیل مفهوم شیطان در خطبۀ هفتم نهج‌البلاغه براساس نظریۀ آمیختگی مفهومی»، نوشته علی‌اکبر مرادیان‌قبادی (پژوهشنامه نهج‌البلاغه، شماره ۳۴، ۱۴۰۰).

مقاله حاضر برآن‌است تا به تبیین و تحلیل فرمایشات امام علی در نهج‌البلاغه پیرامون شیطان بپردازد. روش مطالعه و تحقیق، اسنادی و توصیفی است و این تحقیق با محوریت کتاب نهج‌البلاغه بوده و در کنار آن از آیات قرآن‌کریم و برخی از متون دیگر نیز استفاده شده است. سؤال اصلی تحقیق آن است که شیطان در مواجهه با انسان، از چه روش‌هایی برای نیل به اهداف خود بهره می‌برد؟ گستره فعالیت و میزان تسلّط شیطان بر انسان تا چه حدودی است؟ می‌توان به عنوان فرضیه بیان کرد که شیطان بر انسان تسلط و ولایت

ندارد. با مطالعه و در کنار هم قرار دادن جملات و عبارات نهج‌البلاغه، مطالبی دقیق و عمیق را می‌توان به صورت دسته‌بندی شده ارائه کرد. در خطبه «قاصعه» (خطبه ۱۹۲) مطالب نسبتاً بیشتری درباره شیطان آمده است؛ امام علی در این خطبه از شیطان به عنوان «امام‌المتعصّبین» و «سلف‌المستکبرین» یاد می‌نماید. در مقاله حاضر تلاش شده تا با نگاهی نو و جامع به مقوله شیطان از دیدگاه نهج‌البلاغه از حیث چیستی و اقدامات آن پرداخته شود و این نوع پردازش مطالب در نوع خود بدیع است.

۲- مفهوم‌شناسی «شیطان»

درباره ریشهٔ اصلی کلمهٔ «شیطان» نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای از لغت‌دانان عقیده دارند که «نون» شیطان از حروف اصلی آن کلمه است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۸/۱۳). بر این اساس «شطن» به معنی «دور شده و روی‌گردان» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۳۶/۶؛ راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۴/۱) و متمرّد و نافرمان، اعم از جن و انس است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۷۲/۶؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۳۲/۴) لذا در قرآن گاه به صورت مفرد و گاهی جمع به کار رفته است، مانند تعبیر «شیاطین الجنّ و الإنس» (الأنعام/۱۱۲). شیطان اسم جنس است و شامل نخستین شیطان و همهٔ شیطان‌ها می‌شود. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۵: ۱۸۲/۱) می‌توان گفت شیطان همان ابلیس است و با ابلیس تفاوتی ندارد (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۸/۳) که از راه حق منحرف گشت و کجروی نمود، همان موجود شرور مطلق (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵/۱۲) و آن دیو سرکش (کاشفی‌سبزواری، ۱۳۶۹: ۵۳۳) که از اطاعت خداوند تمرّد و سرپیچی کرد و خود را از رحمت پروردگار بی‌نصیب گردانید؛ زیرا خود از «برنامهٔ حق دور بوده و مصداق اکمل انحراف و اعوجاج است» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۵۸/۲).

شیطان «موجودی موذی و وسوسه‌گر است» (جعفری، بی‌تا: ۱۲۷/۱) که با ندای درونی در دل آدمی وسوسه ایجاد کرده و او را از این طریق می‌فریبد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۰۰/۵) و یکایک عقاید و باورهای آدمی را تباه می‌سازد (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۸۶/۲۱). از این رو به او لقب «خطیب‌الاشقیاء» داده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۲۴۶/۲). بنابراین واژهٔ شیطان «شامل هر کسی، اعم از انسان یا حیوان و یا جن می‌گردد که خود منحرف بوده و دیگران را نیز از برنامهٔ حق

منحرف و خارج می‌کند» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۴۶/۱۲؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۹۱/۱).

یکی از مسائل مورد اختلاف مفسران مربوط به «جنس» شیطان است. برخی او را از ملائکه دانسته و به آیة «إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ» (البقرة/۳۴) چنین استناد می‌کنند که ملائکه مورد خطاب و مأمور به سجده شدند و ابلیس جزء ملائکه بوده که از آنها مستثنی شده است (طیب، ۱۳۷۸: ۵۱۱/۱). این گروه از مفسران استثنا را از نوع «متصل» می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۸/۱) و معتقدند که ابلیس در بین هزاران فرشته فردی بی‌نام و نشان بود. از این رو خداوند یکی از فرشتگان را استثنا فرمود. در مقابل، گروه دیگر وجود استثنا در آیه را دلیل فرشته بودن شیطان نمی‌دانند؛ زیرا ممکن است امر خدا هم به ملائکه و هم به جمعی از جن بوده و ابلیس مخالفت کرده باشد. آنها در تأیید نظر خود آیه دیگری از قرآن را شاهد آورده‌اند که می‌فرماید: «... فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ...» (الکهف/۵۰). در تفسیر جامع از عیاشی ذیل آیة فوق روایت شده که از امام صادق درباره فرشته بودن شیطان پرسیدند و ایشان فرموده‌اند: «نه از جنس فرشتگان بوده است و نه تصّدی امری را داشت، بلکه از جنس جن بود» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۲۰۷/۴). بنابراین حقیقت ابلیس از جنس جنّ است. همان‌گونه که انسان از خاک آفریده شده، جنّ از آتش خلق شده است (الحجر/۲۷).

شیطان موجود شرور و شامل هر موجود متمرّد، طغیان‌گر و خرابکاری است؛ خواه از جن باشد یا انسان یا سایر موجودات. اما شیطانی که معمولاً مورد سخن است، همان ابلیس قرآنی است از نوع جنّ که به واسطة عبادت پروردگار در رتبه ملائکه قرار گرفته بود، لیکن با تکبّر و طغیان از فرمان الهی مطرود گشت و قسم یاد کرد که بنی‌آدم را اغوا کند. (ص/۸۲) در آیاتی از قرآن (که مربوط به سجده نکردن شیطان است) و در داستان حضرت آدم (ع) بیشتر واژه ابلیس آمده و در چند مورد شیطان وجود دارد. موارد دیگر استعمال شیطان برای شیطان معروف و سایر شیاطین آمده است. (ر.ک: مکارم‌شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۹۴/۱-۱۹۱) به فرموده امام علی خداوند نیز آدم را از شیطان و دشمنی او ترساند؛ لذا شیطان او را فریب داد، بدان علت که از زندگی آدم در بهشت و همنشینی او با نیکان حسادت می‌ورزید. (نهج‌البلاغه/ خطبه۱)

امام علی علیه‌السلام با بیانی دقیق به سه نحوه کلی از ارتباط میان شیطان و انسان‌ها اشاره می‌کند: ۱- ارتباط معرفت‌شناختی[1]؛ ۲- ارتباط زبانی[2]؛ ۳- ارتباط رفتاری[3]. ارتباط شیطان با انسان‌ها در هر سه نوع آن از قواعد و اصول باطل پیروی می‌کند. شیطان در ارتباط معرفتی، انسان‌ها را به درک درست و باورهای صادق نمی‌رساند، برعکس به تصورات نامنطبق با واقع و نیز باورهای کاذب می‌کشاند. سخنان انسان‌هایی که از زبان شیطانی در محاورات خود اسفاده می‌کنند، سخنانی باطل و فریب‌دهنده هستند. ارتباط رفتاری شیطان هم با انسان‌ها برای راهنمایی درست کردار آن‌ها نیست، بلکه برای گمراهی و ضلالت آن‌هاست. شیطان چنان به تربیت نیرو مشغول می‌شود که گاهی پیروان او گوی سبقت را از وی می‌ربایند! و آنان نیز جزء شیاطین محسوب می‌گردند. البته ذکر این نکته ضروری است با توجه به تحقیقات نگارندگان از آیات و روایات بویژه متن نهج‌البلاغه، مقصود از شیطان و ابلیس، یکی است و براساس اهداف مقاله حاضر نیز، مباحث مربوط به شیطان و ابلیس با هم در نظر گرفته شده است؛ از این رو در این مقاله مفهوم این دو به یک معنا به کار رفته است.[4]

۳- فلسفه وجود شیطان

خداوند شیطان را برای گمراهی بشر خلق نکرده است؛ بلکه او را آفریده تا بندگانش را آزمایش نماید. شیطان انسان را مجبور به گناه نمی‌کند، بلکه زمینه رشد یا سقوط او را فراهم می‌سازد. به این دلیل که «خصومت دیرینهٔ شیطان با فرزندان آدم و حسادتی که بر ابوالبشر ورزید و از سجده بر او امتناع ورزیده و خرمن هستی خود را تا ابد آتش زده است، هرگز نخواهد گذاشت فرزندان آدم به سهولت و سادگی راه اعتلا و کمال خود را تا بارگاه

1. epistemic
2. linguistic
3. pragmatic

۴. البته در قسمت‌های بعدی مقاله مشخص خواهد شد که بیشترین فراوانی مربوط به واژه شیطان (۴۶ بار شیطان، ۳ بار شیاطین) بوده و واژه ابلیس حدود ۱۳ بار در نهج‌البلاغه تکرار شده است؛ از این رو هردو به یک مفهوم به‌کار رفته است.

الهی بپیمایند؛ زیرا این یک قانون کلی حیات موجودات پلید است که با نظر به خرمن سوخته خود شمع فروزان دیگران را نمی‌توانند ببینند.» (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۹۹/۱۰). با وجود این، انسان‌ها دارای شعور آفریده شده و به واسطة عقول و وجدان‌ها و پیامبران از اغواها و فریب‌کاری‌های شیطان برحذر داشته شده‌اند. این سه وسیله قدرتی بیش از تحریکات شیطان دارند و توسط آنها به‌خوبی می‌توان دغل‌کاری‌های شیطان را خنثی نمود. (همان: ۱۳۱/۳)

ارادة خداوند به هدایت اجباری انسان‌ها تعلق نگرفته است، به دلیل اینکه «جایگاه ایمان و اعتقاد و باورهای دینی در وجود انسان، قلب و روح انسان است و شک نیست که فشار خارجی و زور و اجبار در آنجا راهی ندارد و ممکن نیست کسی را به داشتن یک اعتقاد مجبور کرد.» (جعفری، بی‌تا: ۵۹۴/۱) همچنین هدایت، در مقابل ضلالت است و زمانی معنا پیدا می‌کند که نقطة مقابلی وجود داشته باشد. بنابراین، خداوند انسان‌ها را مکلف ساخت تا با وجود شیطان، به‌وسیله عقل و خرد و فرمان‌برداری از آن مستحق پاداش شوند. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۷۰/۱۳) لذا می‌فرماید: «... لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ... » (الأنفال/۴۲) پس هدف خداوند آگاهی‌بخشی به انسان است.

۴- عدم تسلّط ذاتی شیطان بر انسان

با توجه به اینکه روح خدایی در انسان دمیده شده و به مقام خلیفة الهی رسیده است، شیطان نمی‌تواند بر او مستولی شود و او را مرید خود سازد (الحجر/۳۹-۴۲). بنابراین شیطان بر مؤمنان هیچ سلطه‌ای ندارد و دیگران می‌توانند خودشان را سرسپردة شیطان قرار دهند (النحل/۱۰۰- ۹۹). مراد از سلطان، تسلطی است که شیطان بتواند مردم را به گناه مجبور کند. طبق آیات متعدد، شیطان چنین قدرتی ندارد «و تنها قدرت او همان دعوتِ صرف از طرق مختلف است» (قرشی، ۱۳۷۱، ج۳: ۲۹۱؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج۱۳: ۱۲۳). در این زمینه امام علی تأکید می‌فرماید که انسان نباید بهره‌ای از خود برای شیطان بگذارد و نباید او را بر خود راه دهد (نامه ۱۷) و هر کس خود را سرسپرده شیطان کند، پشیمان شود. (نامه ۴۸) شیطان خود نیز در روز قیامت به انسان‌هایی که راه او را دنبال کرده‌اند، خواهد گفت: «مرا بر شما هیچ

تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید. بنابراین، مرا سرزنش نکنید بلکه خود را سرزنش کنید». (ابراهیم/۲۲)

تسلط شیطان فقط در حدود تزئین اعمال زشت است که مردم توسط آنها اغوا می‌شوند وگرنه اگر تسلط او بر همه بود، نمی‌بایست استثنایی وجود داشته باشد. ولی آن‌گونه که از آیات دریافت می‌گردد، شیطان فقط بندگان خالص را استثنا کرده که آنان عبارتند از انبیاء و ائمة اطهار و اوصیاء (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۶/۱۶).

در این قسمت با توجه به متن نهج‌البلاغه، چرخة حیات آدم در مواجهه با شیطان، به این‌گونه ترسیم می‌گردد:

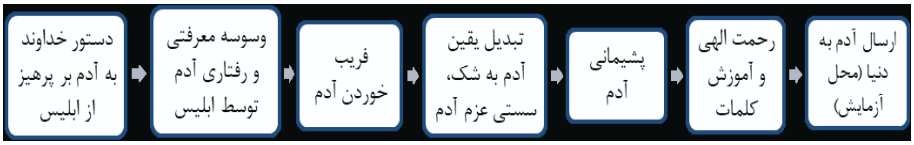

(شکل شماره ۱)

۵- فراوانی شیطان در قرآن‌کریم

واژه «شیطان» به‌صورت مفرد ۷۰ بار و به‌صورت جمع ۱۸ بار در قرآن‌کریم آمده است. در این قسمت آیاتی از قرآن که درباره شیطان آمده است، در چهار موضوع دسته‌بندی شده است و با توجه به نبود مجال بحث تفصیلی، به ذکر عناوین بسنده می‌شود و خوانندگان گرامی برای دریافت اطلاعات تفصیلی، می‌توانند به آیات ذیل و همچنین تفاسیر آنها مراجعه نمایند:

موضوع	آیات قرآن
دشمنی شیطان نسبت به بنی‌آدم	البقره/۱۶۸ و ۱۶۹ و ۲۶۸؛ النساء/۱۱۹-۱۲۱؛ المائده/۹۱ و ۹۲؛ الأعراف/۲۷؛ ابراهیم/۲۲؛ الزخرف/۳۶؛ یس/۶۰
سلوک شیطانی	البقره/۱۰۲؛ النساء/۱۱۸-۱۲۰؛ الأعراف/۱۲-۱۸؛ الحجر/۱۵-۱۸؛ النحل/۹۸-۱۰۰؛ الفرقان/۲۹؛ الشعراء/۶۲؛ فاطر/۶؛ الصافات/۷-۱۰؛ فصلت/۲۵؛ الزخرف/۳۷-۳۹؛ المجادله/۱۰؛ الحشر/۱۵ و ۱۶؛ الملک/۵

وسوسه‌های شیطانی	البقره/۳۴ و ۳۶ و ۱۶۸ و ۲۰۸ و ۲۶۸؛ النساء/۳۸ و ۶۰ و ۷۶ و ۱۱۷-۱۲۰؛ المائده/۹۰ و ۹۱؛ الأنعام/۴۳ و ۱۱۲ و ۱۲۱ و ۱۴۲؛ الأعراف/۱۱-۲۳ و ۲۷ و ۲۰۰-۲۰۲؛ الأنفال/۴۸؛ یوسف/۵؛ الحجر/۳۰-۴۲؛ النحل/۶۳ و ۹۸-۱۰۰؛ الإسراء/۵۳ و ۶۱-۶۵؛ الکهف/۵۰ و ۵۱؛ طه/۱۱۶ و ۱۲۰؛ الحج/۵۲ و ۵۳؛ المومنون/۹۷؛ النور/۲۱؛ الفرقان/۲۹؛ الشعراء/۲۲۱-۲۲۳؛ القصص/۱۵؛ العنکبوت/۳۸؛ سبأ/۱۰ و ۲۱؛ فاطر/۶؛ یس/۶۰-۶۲؛ ص/۷۳-۸۲؛ فصلت/۳۶؛ الزخرف/۶۲؛ محمد/۲۵؛ المجادله/۱۰ و ۱۹؛ الحشر/۱۶و ۱۷؛ الناس/۱-۶
تبعیت از شیطان	البقره/۱۶۸ و ۱۶۹ و ۲۶۸؛ النساء/۱۱۹-۱۲۱؛ المائده/۹۱ و ۹۲؛ الأعراف/۲۷؛ ابراهیم/۲۲؛ الزخرف/۳۶

(شکل شماره ۲)

۶- فراوانی نام «شیطان» در نهج‌البلاغه

بحث اصلی مقاله حاضر، تبیین نگاه نهج‌البلاغه به شیطان و ابلیس است. امام علی نسبت به دشمنی شیطان با انسان چنین هشدار می‌دهند: «(خداوند) شما را پرهیز داد از دشمنی شیطان که پنهان در سینه‌ها راه می‌یابد و آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید. گمراه و پست است، وعده‌های دروغین داده و در آرزوی آنها به انتظار می‌گذارد، زشتی‌های گناهان را زینت می‌دهد، گناهان بزرگ را کوچک می‌شمارد و آرام آرام، دوستان خود را فریب می‌دهد، راه رستگاری را بر روی کسانی که در بند شده‌اند، می‌بندد و روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند و آنچه را که آسان کرده، بزرگ می‌شمارد و از آنچه پیروان خود را ایمن داشته بود، سخت می‌ترساند.» (خطبه ۸۳)

با مطالعه چندین باره نهج‌البلاغه از آغاز تا پایان، ضمن استخراج الفاظ و مطالب مربوط با شیطان، محتوای مباحث آن به تفکیک خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به صورت دسته‌بندی شده ارائه شده است.

ردیف	خطبه/نامه/ حکمت	واژه	فراوانی	موضوع سخن
۱	خطبه ۱	ابلیس	۲	غرور شیطان و سرکشی از دستور خداوند تأکید خدا بر دشمن بودن شیطان برای انسان
۲	خطبه ۱	شیاطین	۱	مردم را از معرفت به خدا باز می‌دارد.
۳	خطبه ۲	شیطان	۳	توحید و شهادت به یگانگی خداوند سبب دور ساختن شیطان عصیان خدا و یاری شیطان در عصر جاهلیت از سوی مردم اطاعت مردم از شیطان و گام برداشتن در راه‌های شیطان و برافراشته شدن پرچم و نشانه‌های شیطان توسط مردم و فریفتگی، نادانی و سرگردانی مردم توسط شیطان
۴	خطبه ۷	شیطان	۲	شیطان معیار و ملاک کارهای پیروان خود از مردم نفوذ و وسوسه شیطان در مردم
۵	خطبه ۱۰	شیطان	۱	اصحاب جمل حزب شیطان هستند.
۶	خطبه ۲۲	شیطان	۱	برانگیختن حزب شیطان در جنگ جمل
۷	خطبه ۵۰	شیطان	۱	مهارت شیطان در آمیختن حق و باطل
۸	خطبه ۶۴	شیطان	۱	آراستن گناه و به تأخیر انداختن توبه
۹	خطبه ۶۶	شیطان	۱	پنهان گشتن شیطان در لشکر صفین
۱۰	خطبه ۸۶	شیطان	۱	همنشینی با اهل هوا و هوس باعث حضور شیطان در زندگی
۱۱	خطبه ۹۱	شیطان	۲	دست برداشتن از علمی که شیطان به آن وامی‌دارد. عدم انحراف فرشتگان توسط شیطان
۱۲	خطبه ۱۲۱	شیطان	۱	زدودن ایمان و ایجاد تفرقه و فتنه انگیزی
۱۳	خطبه ۱۲۷	شیطان	۲	خوارج آلت دست شیطان هرکس خود را از مردم جدا کند طعمه شیطان می‌شود.
۱۴	خطبه ۱۲۹	شیطان	۱	طمع شیطان به هلاکت مردم و فریب‌های آن
۱۵	خطبه ۱۳۸	شیطان	۱	شیطان راه‌های خود را هموار می‌سازد.
۱۶	خطبه ۱۴۴	شیطان	۱	اجابت شیطان از سوی برخی از مردم
۱۷	خطبه ۱۴۷	شیطان	۱	رها ساختن پیروی از شیطان توسط پیامبرa

۱۸	خطبه ۱۵۱	شیطان	۲	طلب یاری الهی برای محفوظ ماندن از دام‌ها و خدعه‌های شیطان پرهیز از دام‌های شیطان
۱۹	خطبه ۱۵۷	شیاطین	۱	واداشتن انسان به طغیان و زینت دادن کارهای بد
۲۰	خطبه ۱۸۱	شیطان	۱	فراخواندن به گریختن و بریدن خوارج از مسلمانان
۲۱	خطبه ۱۸۳	شیطان	۱	همنشین بودن برخی از انسانها با شیطان در جهنم
۲۲	خطبه ۱۹۲	ابلیس	۹	خطبه قاصعه طولانی‌ترین خطبه نهج‌البلاغه در نکوهش ابلیس است. عبرت گرفتن از تکبر ابلیس در عدم سجده با وجود عبادت ۶۰۰۰ ساله
۲۳	خطبه ۱۹۲	شیطان	۵	شیطان دارای بیماری است. سپاه سواره و پیاده دارد. انسان‌ها را از نزدیکترین نقطه هدف تیر قرار داده است. کبر بزرگترین دام شیطان از مکر خود درباره دانشمند و فقیر دست نمی‌کشد.
۲۴	خطبه ۱۹۳	شیطان	۱	برخی از سخنان را شیطان بر زبان افراد جاری می‌کند.
۲۵	خطبه ۱۹۴	شیطان	۳	منافقان یاوران شیطان
۲۶	نامه ۳	شیطان	۱	باز شدن درب خانه اشرافی و تجمل‌گرایانه (شریح) به سوی شیطان
۲۷	نامه ۱۰	شیطان	۱	معاویه در بند شیطان
۲۸	نامه ۱۷	شیطان	۱	برای شیطان نصیبی در وجود خود قرار ندادن
۲۹	نامه ۱۸	ابلیس	۱	بصره جایگاه فرود شیطان
۳۰	نامه ۳۲	شیطان	۱	افسار معاویه دست شیطان
۳۱	نامه ۴۴	شیطان	۲	معاویه شیطان است. ابوسفیان تحت وسوسه شیطان بود.
۳۲	نامه ۴۸	شیطان	۱	پشیمانی از سپردن زمام امور به دست شیطان
۳۳	نامه ۵۳	شیطان	۱	خودپسندی از بهترین روش‌های شیطان برای نابودی نیکی نیکوکاران
۳۴	نامه ۵۵	شیطان	۱	هشدار به معاویه نسبت به خارج کردن مهار خود از دست شیطان

۳۵	نامه ۶۹	شیطان	۱	گذرگاه‌های بازار محل حضور شیطان.
۳۶	نامه ۶۹	ابلیس	۱	خشم و غضب از سپاهیان بزرگ ابلیس
۳۷	نامه ۷۳	شیطان	۱	معاویه اسیر شیطان است و شیطان مانع کارهای خوب و پندشنوی اوست.
۳۸	نامه ۷۶	شیطان	۱	خشم سبک‌سری است و از سوی شیطان
۳۹	حکمت ۳۱	شیاطین	۱	کسی که در دودلی مردد ماند، شیطان‌ها لگدمالش کردند.
۴۰	حکمت ۳۲۳	شیطان	۱	فریب خوارج توسط شیطان با آرزوها و هموار ساختن گناه
جمع	۲۵ خطبه، ۱۳ نامه، ۲ حکمت	۱۳ بار ابلیس، ۳ بار شیاطین، ۴۶ بار شیطان،	۴۶ بار درخطبه‌ها، ۱۴ بار در نامه‌ها، ۲ بار درحکمت‌ها	جمعاً نام شیطان (ابلیس) ۶۲ بار در نهج‌البلاغه آمده است.

(شکل شماره ۳)

۷- تحلیل محتوایی نهج‌البلاغه درباره شیطان

شیطان ابتدا به دنبال گرفتن نیرو برای خود است، سپس به سازماندهي و کادرسازي نیروهای خود می‌پردازد تا در تاریخ بشریت، تمدنی بزرگ در طول تمدن الهی ایجاد کند. در این قسمت برخی از اوصاف شیطان از دیدگاه نهج‌البلاغه بعد از تحلیل محتوای کلام امام علی، به اختصار بیان می‌گردد:

۷-۱- چیستی شیطان

در خطبه اول حضرت علی پس از بیان مراتب معرفت خداوند و آفرینش جهان و فرشتگان و آدم، ماجرای دستور خداوند به فرشتگان مبنی بر سجده بر آدم را مطرح فرموده و به خودداری ابلیس از انجام فرمان الهی اشاره می‌فرماید: «اعترته الحمیه، و غلبت علیه الشقوه، و تعزّز بخلقة النار، و استهون خلق الصلصال» (خطبه ۱). براساس فرمایشات امام در نهج‌البلاغه (خطبه‌های ۱، ۱۸۳ و ۱۹۲) می‌توان شکل زیر را ترسیم نمود:

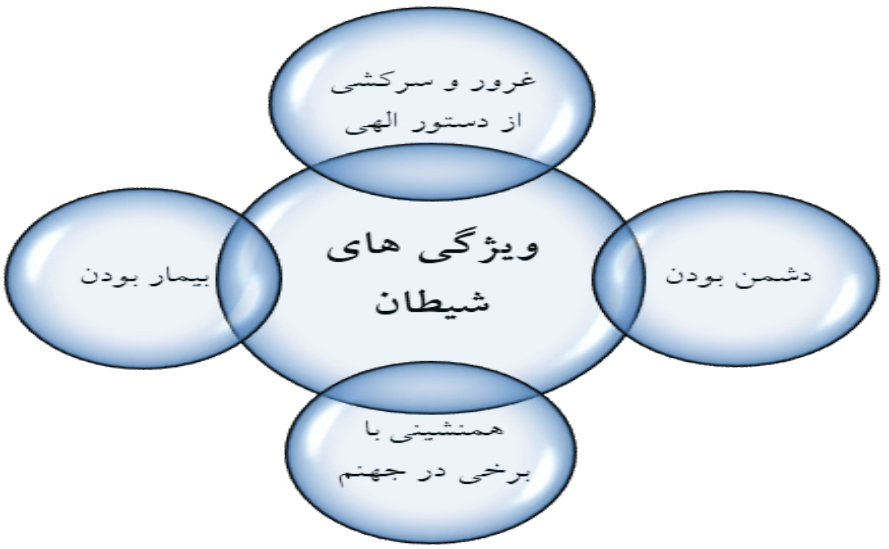

(شکل شماره ۴)

طبق فرمایش فوق، شیطان نسبت به جنسیت خود احساس برتری و فخرفروشی کرد و انسان را خوار شمرد. لذا با توجه به متن نهج‌البلاغه، می‌توان چرخۀ وضعیت ابلیس از آغاز تا پایان ماجرا را چنین ترسیم کرد:

(شکل شماره ۵)

۷-۲- فعالیت‌های شیطان

همان‌طور که قبلاً با استناد به کلام امام علی اشاره شد، اقدامات و تأثیرات شیطان را می‌توان به سه حوزه تقسیم نمود: معرفت‌شناختی، زبانی و رفتاری. یکی از پیامدهای مهم این بحث این است که تأثیرات شیطان اساساً هستی‌شناختی نیستند، به همین دلیل او بر روی وجود و ماهیت انسان تأثیر حقیقی ندارد، چون از خداست. شیطان نمی‌تواند واقعیت را تغییر دهد، اما قادر است نگاه انسان را تغییر بدهد.

	نوع فعالیت	عنوان	منبع	توضیح
فعالیت‌های شیطان	۷-۲-۱-معرفت شناختی	بازداشتن مردم از معرفت خدا	خطبه ۱	بازداشتن از حقایق و قطع رشته پرستش الهی
		زدودن ایمان	خطبه ۱۲۱	باز کردن گره‌های رشتهٔ ایمان انسان‌ها و درگیر فتنه‌های متعدد شدن
	۷-۲-۲- زبانی	دمیدن سخن بر زبان مردم	خطبه ۱۹۳	واکنش امام به اعتراض شخصی در ماجرای بیهوش شدن همّام بر اثر اندرزهای بلیغ حضرت
		نفوذ شیطان بر مردم	خطبه ۷	نفوذ شیطان در مردم به گونه‌ای که با چشم آنان می‌نگرد و با زبان آنان سخن می‌گوید
		جلوگیری از پندشنوی انسان	نامه ۷۳	شیطان نمی‌گذارد که انسان به کارهای خوب بپردازد و مانع شنیدن نصیحت می‌شود.
	۷-۲-۳-رفتاری	ایجاد تفرقه و فتنه‌انگیزی	خطبه ۱۲۱	ایجاد اختلاف و تفرقه میان و بهره‌گیری از آن
		آراستن‌گناه و به‌تأخیر انداختن‌توبه	خطبه ۶۴	شیطان با غفلت و القای نسیان، معصیت را جایگزین کارهای کرده و با وعده‌های توخالی از یاد خدا غافل می‌کند.
		مکرورزی نسبت به همگان	خطبه ۱۹۲	شیطان گاهی دانشمندی را به خاطر علمش و مستمندی را به خاطر جامه کهنه‌اش می‌فریبد.

(شکل شماره ۶)

۷-۳- شیوه‌های شیطان برای پیشبرد اهداف خود

شیوه	منبع	توضیح
۵-۳-۱- استفاده از خشم و غضب	نامه ۶۹ نامه ۷۶	خشم و غضب برخاسته و از سپاهیان بزرگ ابلیس است و قوه تعقّل را از بین می‌برد.

۵-۳-۲- بهره‌گیری از عُجب و خودپسندی	نامه ۵۳	خودپسندی از مطمئن‌ترین روش‌های شیطان برای نابودی نیکی
۵-۳-۳- انجام پنهانی نقشه‌های خود	خطبه ۶۶	نقشه‌های شیطان به صورت نامحسوس است و گاهی انسان تصور نمی‌کند که در اجرای آن، عملاً به عنوان عامل شیطان ایفای نقش می‌کند.
۵-۳-۴- آمیختن حق و باطل	خطبه ۵۰	تسلط شیطان در صورت مشخص نبودن مرزهای حق و باطل
۵-۳-۵- هدف قرار دادن انسان‌ها از نزدیکترین نقطه	خطبه ۱۹۲	شیطان همواره به انسان نزدیک‌تر می‌شود و در آن صورت انسان متوجه آسیب دیدن نمی‌شود.
۵-۳-۶- فریب با آرزوها و وعده‌های توخالی	حکمت ۳۲۳	در انجام خطاها، همیشه شیطان وعده‌های ظاهراً زیبا داده و با ترسیم آینده نیکو، انسان را به هلاکت سوق می‌دهد.
۵-۳-۷- استفاده از منافقان جهت انجام اهداف	خطبه ۱۹۴	منافقان از یاوران و دار و دسته و حزب شیطان هستند.
۵-۳-۸- حضور فعّال در فعالیت‌های اقتصادی	نامه ۶۹	فضای بازارها موقعیت خوبی برای انجام اعمال شیطانی است.

(شکل شماره ۷)

۷-۴- راهکارهای مقابله با اقدامات شیطان

راهکار	منبع	توضیح
۵-۴-۱- عبرت گرفتن از تکبّر ابلیس	خطبه ۱۹۲	عبادت شش هزار ساله شیطان به او سوی نبخشید.
۵-۴-۲- پایبندی به توحید ناب	خطبه ۲	خلوص در شهادت به یگانگی خداوند برکات زیادی دارد
۵-۴-۳- تقوای الهی	نامه ۵۵	پرواداری مدیریت رفتارهای خود است.
۵-۴-۴- حفظ وحدت مردم	خطبه ۱۲۷	کسی که خود را از مردم جدا سازد، طعمه شیطان شود.
۵-۴-۵- طلب یاری الهی	خطبه ۱۵۱	عنایت و کمک خدا در کنار اراده و تلاش فردی، اثر مضاعفی دارد
۵-۴-۶- رها ساختن علم شیطانی	خطبه ۹۱	برای شناخت خداوند افکار انسان باید مبرّا از وسوسه‌های شیطانی باشد

(شکل شماره ۸)

نتیجه

۱- شیطان (ابلیس) جمعاً ۶۲ بار در نهج‌البلاغه آمده است و از دیدگاه امام علی شیطان بیماری دارد و دشمن انسان محسوب می‌شود؛ همان‌گونه که در قرآن‌کریم نیز به عنوان دشمن آشکار تصریح شده است.

۲- وجود شیطان برای آزمایش انسان‌هاست. شیطان انسان را مجبور به گناه نمی‌کند، بلکه زمینه رشد یا سقوط افراد را فراهم می‌سازد. شیطان بر انسان و اختیار او تسلط ندارد. نیز تأثیر هستی‌شناختی بر انسان ندارد که وجود و ماهیتش را تغییر دهد.

۳- فعالیت‌های شیطان را می‌توان در سه دسته رفتاری، معرفتی و زبانی تقسیم‌بندی نمود.

۴- شیطان برای پیشبرد اهداف خویش از شیوه‌های متعددی استفاده می‌کند از جمله: استفاده از خشم و غضب، آمیختن حق و باطل، بهره‌گیری از عُجب و خودپسندی، انجام پنهانی نقشه‌های خود، فریب انسان با آرزوها و وعده‌های توخالی، استفاده از منافقان جهت نیل به اهداف خود و حضور فعّال در مراکز اقتصادی.

۵- انسان‌ها باید برای در امان ماندن از شیطان همواره به ذکر و یاد الهی مشغول باشند؛ (ذکر هم زبانی است، هم قلبی، و ذکر قلبی هم بعد معرفتی دارد و هم بعد رفتاری) زیرا از راه‌های مهم نفوذ شیطان، رویگردانی از یاد الهی است. طبق فرمایش امام علی باید در محفوظ ماندن از دام‌ها و خدعه‌های شیطان از خداوند طلب یاری نمود و ضمن عبرت گرفتن از تکبّر ابلیس، با پایبندی به توحید ناب و تقوای الهی، مهار خود را به دست شیطان نداد و در صدد رها ساختن علم شیطانی و حفظ وحدت مردم تلاش کرد.

منابع

قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند

ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد، (۱۳۳۷)؛ **شرح نهج البلاغه**، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن منظور، محمدبن مکرم، (۱۴۱۴ق)؛ **لسان العرب**، دارصادر، بیروت.

ابوئی، محمدرضا، «نظریه جبرواختیاردرمقارنه آراءآگوستین و اشعري»، فصلنامه پژوهش هاي اعتقادي

کلامی، سال چهارم، شماره۱۶، زمستان۱۳۹۳، ص۷-۳۰.
راغب، حسین بن محمد، (۱۴۱۸ق)؛ **المفردات في غريب القرآن**، بیروت، دارالمعرفه.
بروجردی، سیدمحمدابراهیم، (۱۳۶۶)؛ **تفسیرجامع**، تهران، صدر.
جرجانی، سیدامیرابوالفتوح، (۱۴۰۴ق)؛ **آیات الاحکام**، تهران، نوید.
جعفری، یعقوب، (بی تا)، کوثر، بی جا.
جعفری، محمدتقی، (۱۳۷۶)؛ **ترجمه وتفسیرنهج البلاغه**، تهران، فرهنگ اسلامی.
سیدرضی، (۱۳۹۰)؛ **نهج البلاغه**، ترجمه علی شیروانی، قم، معارف.
طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۴)؛ **تفسیرالمیزان**، ترجمة سیدمحمدباقرموسوی همدانی، قم، اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)؛ **تفسیرجوامع الجامع**، مترجمان، مشهد، بنیادپژوهش های اسلامی.
طریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵)؛ **مجمع البحرین**، تحقیق سیداحمدحسینی، تهران، مرتضوی.
طیب، سیدعبدالحسین، (۱۳۷۸)؛ **أطیب البیان فی تفسیرالقرآن**، تهران، اسلام.
فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)؛ **کتاب العین**، قم، هجرت.
قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱)؛ **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
کاشفی سبزواری، حسین بن علی، (۱۳۶۹)؛ **مواهب علیه**، تحقیق سیدمحمدرضاجلالی نائینی، تهران، اقبال.
مدرسی، محمدتقی، (۱۴۱۹ق)؛ **من هدی القرآن**، تهران، دارمحبی الحسین.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)؛ **پیام امام شرح تازه وجامعی برنهج البلاغه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۹)؛ **تفسیرنمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰ق)؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه ونشرکتاب.
مک گراث، آلیستر، (۱۳۸۵)؛ **درآمدی برالهیات مسیحی**، ترجمه عیسی دیباج، تهران، کتاب روشن.
هاکس، جیمز، (۱۳۸۳)؛ **قاموس کتاب مقدس**، تهران، اساطیر.